

شرح و تفسیر رساله حقوق امام سجاده (علیه السلام)

حجت الاسلام والمسلمین استاذ حاج علی اکبری



حق السمع

جلسه دوم

۱۳۹۲/۱۲/۲۵

فهرست

-
- * نام زهرا نام جمله اولیاست
- * نوروز فاطمی
- * مراقبت از ورود میکروب‌های شنیداری
- * لزوم شکرگزاری نعمت شنوایی
- * آثار معنوی مالک حقیقی دانستن خدا
- * دو رکن شکر نعمت شنوایی
- * ضرورت رعایت حریم شنوایی
- * انواع شنیدنی‌ها
- * تفاوت سمع و استماع
-

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

* نام زهرا نام جمله اولیاست

در ابتدا عرض سلام و ارادت و ادب، همراه با عرض تسلیت داشته باشیم به محضر مقدس مولایمان، حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف و علیه الصلاة والسلام). می دانیم که سلام ما را می شنوند و از سر لطف و کرم پاسخ می گویند و همه ی ما را مورد عنایت و لطف خودشان قرار می دهند؛ مخصوصاً هروقت که نام مادرشان به میان بیاید و جمعی ارادتمندانه، از صمیم قلب و متکی بر معرفت مقام شامخ زهرا (سلام الله علیها)، عرض ادب می کنند، مطمئناً، مورد عنایت ویژه ی فرزند گرامی و یادگار عزیزشان حضرت مهدی (علیه الصلاة والسلام) قرار می گیرند. ما هم اگر فضای خانه های خود را فضای فاطمی کنیم، این توجه به حضرت زهرا (سلام الله علیها) و عرض ادب به آن حضرت، قطعاً همه را مورد عنایت و دعا و توجه امام زمانمان (علیه الصلاة والسلام) قرار می دهد.

نام زهرا نام جمله اولیاء است. مقام آن حضرت، مقام مادری ائمه و «حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ» است. فاطمه (سلام الله علیها) نام همه ی خوبی ها و زیبایی ها و اسم الجمع همه ی فضیلت ها است و ما امید داریم به لطف و عنایت الهی، در چنین فرصتی و با چنین یادهایی، ذیل عنایت آنان قرار بگیریم.

* نوروز فاطمی

شایسته است که به یک نکته مهم اشاره‌ای داشته باشیم. امسال ما یک نوروز فاطمی داریم؛ یعنی بهاری که از راه می‌رسد و مقدماتش آشکار شده است، با نام و یاد و توجه به حضرت زهرا (صَلَوَاهُ اللهُ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهَا) همراه شده است و این به ما بشارت می‌دهد؛ چراکه امسال هم آغاز سال ما فاطمی است، هم انجام و پایانش. سال جدید با فاطمیّه آغاز می‌شود، با فاطمیّه به پایان می‌رسد.

ذکر و توجه به مقام شامخ حضرت زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) و اولیاء خدا، در حقیقت یادآوری همه‌ی خوبی‌ها و فضیلت‌ها است. یادآوری مهربانی، ادب، تواضع، فروتنی، عبادت، بندگی، تسبیح، تحمید، نماز، روزه، حج، دعا و مناجات است. وقتی نام فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) برده می‌شود، نام دانش، علم، حکمت و نام قرآن در دل‌های ما زنده می‌شود. نام حضرت زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) همراه با غیرت، وفا، صفا، عزّت، شکوه و سرافرازی است. نام فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا)، مخصوصاً در فاطمیّه، برای همه‌ی ما یادآور ولایت الهی و ولایت علی‌بن‌ابی‌طالب (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است. چقدر مغتنم و شیرین است این یاد که با خودش در انسان اهتزاز روحانی و شکوفایی می‌آورد. نام فاطمه مثل نسیم صبح بهاری است و دل‌ها را روشن می‌کند.

در فضای خانه و خانواده، یاد حضرت زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) سیره فاطمی را به یاد می‌آورد و رسم و ادب بندگی را یادآوری می‌کند. خوب دختری کردن را برای دختران ما، خوب همسری کردن را برای کسانی که بِحَمْدِالله به شرف همسری مشرف هستند، خوب مادری کردن را برای کسانی که از مقام شامخ مادری بهره‌مند هستند، همه‌ی اینها را یادآوری می‌کند و به جامعه‌ی بانوان ما حقیقت قدسی وجودشان، کرامتشان، شخصیت‌شان، عفاف‌شان، حیایشان و ظرفیت‌های عظیم معنوی که خدای متعال در شخصیت آنها قرار داده، همه‌ی اینها را یادآوری می‌کند.

فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) زُهره‌ی عرش خدا است و تا قیام قیامت روشن‌کننده‌ی دل‌های مؤمنین است و وقتی در دلی مهر فاطمه باشد و در رفتاری نشانه‌های زهرایی وجود داشته باشد، چنین کسی مورد عنایت و لطف پروردگار متعال است و پیش خدای متعال عزیز می‌شود. امیدواریم ان‌شاءالله به حق و حقیقت حضرت زهرا، دل‌های همه‌ی مؤمنان و همه‌ی دوستان حضرت، همواره به نور فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) روشن باشد و امیدواریم خداوند تبارک و تعالی در این سال که با نام فاطمه به سرانجام می‌رسد و پایان می‌پذیرد، همه‌ی کمی و کاستی‌ها و خطاها و اشتباهات ما را به آبروی حضرت زهرا به ما ببخشد و ما را به لطف و کرمش منزّه کند و سالی که با نام حضرت زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) آغاز می‌شود، سالی باشد مملو از موقّیّت و کامیابی مادی و معنوی و سال رشد باشد برای همه. ان‌شاءالله سال مهربانی، صفا، وفا، خیر، برکت، عافیت و سال دوستی‌ها برای جامعه‌ی ما باشد. همچنین

ان شاء الله سالی پر از موفقیت و عزت در همه‌ی عرصه‌ها برای نظام ما، رهبر عزیز ما و همه‌ی خدمتگزاران میهن اسلامی و جامعه‌ی اسلامی باشد.

* مراقبت از ورود میکروب‌های شنیداری

در جلسه‌ی گذشته این فراز از رساله‌ی حقوق را خواندیم: «وَأَمَّا حَقَّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهُهُ عَنْ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقًا إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفَوَاهِهِ كَرِيمَةً»، در اینجا از عبارت حق شنیدن استفاده می‌کنم، نه حق گوش؛ زیرا به نظر می‌رسد که حق شنیدن دقیق‌تر باشد. امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) حق شنیدن را با کلمه‌ی «تنزیه» شروع کردند.

پاک نگه‌داشتن این ظرفیت عظیم و این نعمت بزرگ و این امانت بسیار بزرگ خدای متعال، یعنی امانت و نعمت شنیدن، از آنچه خدای متعال نمی‌پسندد، مقدم داشته شد بر حق دوم. حق دوم این است که ما بهره‌وری شایسته‌ای از این ظرفیت الهی و از این دستگاه بسیار عجیب و پر رمز و راز داشته باشیم.

در محور اول امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) همه‌ی ما را توجه دادند به اینکه ما در معرض آفت‌ها هستیم. دستگاه شنوایی ما در واقع دروازه‌ی دل، عقل و شخصیت ما است؛ بنابراین مراقبت از ورود میکروب‌های شنیداری در اولویت است. امام ابتدا مسئله‌ی تنزیه را مطرح فرمودند، آنگاه از بهره‌برداری سخن راندند و در محور بهره‌مندی هم از عبارت «فَوَاهِهِ كَرِيمَةً» استفاده کردند؛ یعنی سخنان شایسته و ارجمند و مفید که یا برای ما بهره‌ی علمی

داشته باشد و خرد ما را بارور کند، یا بهره‌ی اخلاقی داشته باشد و رفتارهای ما را اصلاح کند. چنین سخنی ارزش شنیدن را دارد و انسان باید برای پیدا کردنش، برای شنیدنش و بهره‌مندی از آن، تلاش کند.

* لزوم شکرگزاری نعمت شنوایی

در قرآن کریم دستگاه شنوایی مورد عنایت خاصی قرار گرفته و مرتب به‌عنوان یکی از نعمت‌های بزرگ الهی مطرح و به رخ کشیده شده است. در برخی آیات خدای متعال نعمت شنیدن را به‌طور برجسته در کنار نعمت دیدن که دو دروازه‌ی شخصیت ما و دل ما و قلب ما است، به خودش مستند می‌کند: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ؛^۱ و او است آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد». «أَفْتِدَةٌ» هم همان قدرت تعقل و فهم است که دو ابزار اصلی‌اش، شنیدن و دیدن است. از دستگاه اصلی تحلیل‌گر دریافت‌کننده‌ی سازمان‌بخش مولد وجود ما، به «فؤاد» تعبیر شده که قوه‌ی فهم و خرد انسان است. در آیه دیگر، خداوند تبارک و تعالی پس از برشمردن نعمت شنوایی و دیدن و خرد، می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۲ باشد که سپاسگزاری کنید».

۱. مؤمنون: ۷۸.

۲. نحل: ۷۸.

سخن از یک نعمت بزرگ است. وقتی می‌توانیم شکرگزار این نعمت باشیم که آن را بشناسیم. خدای متعال با یادآوری این نعمت بسیار بزرگ که اگر انسان از آن محروم باشد از باب عظیمی از نعمت‌ها محروم می‌شود، از شما توقع شکر دارد: «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» در آیه دیگری نیز بر مسئله‌ی شکرگزاری این نعمت تأکید شده است: «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»^۳ و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد. چه اندک سپاس می‌گزارید».

تعبیری در آیه سی و یکم سوره‌ی مبارکه‌ی یونس است که علاقه‌مند هستم روی آن تأکید شود؛ زیرا بار معنایی عجیبی دارد. تعبیر خدای متعال این است: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» در این آیه‌ی کریمه سخن از رزق به میان آمده است و خطاب به پیامبر می‌فرماید که: از آنها سؤال کن چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌رساند؟ چه کسی مالک گوش و چشم شما و شنوایی و بینایی شما است؟ چه کسی است که زنده را از مرده به‌وجود می‌آورد و خارج می‌کند و همچنین مرده را از زنده؟ کیست که امور عالم را سازمان‌دهی می‌کند و همه‌چیز تحت برنامه‌ریزی او قرار دارد؟ «فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ»، وقتی همه این سؤال‌ها تو را بشنوند، در صورتی که به فطرتشان مراجعه کنند، همه پاسخ خواهند داد: «اللَّهُ»، حالا از آنها سؤال کن: «فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ»، پس چرا در زندگی‌تان مرزهای الهی را رعایت نمی‌کنید؟ در واقع در اینجا مسئله‌ی تقوا مطرح شده است.

در این آیه‌ی کریمه، به گوش و چشم نیز اشاره شده که دو ابزار اصلی برای بهره‌مندی از رزق آسمانی و زمینی است که در اول آیه مطرح شده بود. همه‌چیز، بیرون از وجود ما فراهم است. آن چیزی که برداشت می‌کند، چشم و گوش ما است. البته سایر اعضا و جوارح ما هم حظّ خاص خودشان را می‌برند؛ منتها این دو عضو در اینجا به‌طور خاص برجسته شده‌اند. سؤالی که راجع به گوش و چشم مطرح شده، سؤال از حق مالکیت است. این تعبیر خیلی لطیف است: «أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ»، سؤال کن چه کسی مالک گوش و چشم است؟ مالک شنوایی و بینایی کیست؟

در واقع از همه‌ی ما اقرار می‌گیرد. چون هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید من مالک هستم، ناخودآگاه اقرار می‌کنند و می‌گویند: «فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ» شما وقتی مالک هستید که خالق باشید. مالک حقیقی کسی است که به‌وجود می‌آورد، هستی‌بخشی می‌کند. در آیاتی که در بحث «حَقُّ اللَّهِ» خواندیم، قرآن کریم می‌فرمود که آیا شما خودتان، خودتان را خلق کرده‌اید؟ آیا شما این چشم‌ها را آفریده‌اید؟ آیا بینایی را شما در وجود خودتان خلق کرده‌اید؟ آیا گوش‌ها و قدرت شنوایی را خودتان به‌وجود آورده‌اید؟ نه، پس چه کسی مالک است؟ «أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ»، مالک شنوایی و بینایی کیست؟

خداوند تبارک و تعالی، با این تعابیر تکان‌دهنده به‌زیبایی، فهم ما را مخاطب قرار می‌دهد. برای اینکه یادمان باشد حق نداریم در چیزی که مالکش نیستیم، تصرف مالکانه داشته باشیم. ما مالک گوش و چشم‌مان نیستیم؛ چنان‌که مالک سایر اعضا و جوارح‌مان هم نیستیم. اینکه

می‌گوییم چشم من، گوش من، دست من، پای من، زمین من، خانه‌ی من، ماشین من، اینها همه اعتباری و قراردادی است. البته خداوند تبارک و تعالی این نسبت‌ها را پاس داشته است؛ اما هیچ‌کدام اینها برای ما مالکیت حقیقی نمی‌آورد. اینها در واقع شَبَّحی از داشتن و مالکیت را همراه خودش دارد؛ ولی حقیقت مالکیت را ندارد.

* آثار معنوی مالک حقیقی دانستن خدا

اینجا خدای متعال به ما یادآوری می‌کند و این همان چیزی است که اگر ما باورش کنیم، صورت مسئله کلاً عوض می‌شود و انسان برای متقی شدن آماده می‌شود. عبارت «أَفَلَا تَتَّقُونَ» پیوست یک فهرست سؤال است. چه کسی از آسمان و زمین برای شما رزق می‌آورد؟ اگر تو گفتی «الله»، برای تقوا آماده شده‌ای. وقتی سؤال می‌کند که چه کسی مالک گوش و چشم شما است و شما اقرار می‌کنید که «الله»، در حقیقت می‌گویید من مالک نیستم و وقتی نفی مالک از خود کردید، امانت‌دار می‌شوید. امانت‌دار که شدی، باید طبق نظر مالک و ولی عمل کنی. در نتیجه طبق نظر مالک و خالق از شنوایی خود بهره‌مند شوی. دیگر هر سخنی برای شما امکان شنیدن ندارد، هر صحنه‌ای امکان دیدن ندارد. احساس می‌کنید برای شنیدن و دیدن باید از مالک و خالق اجازه بگیرید. هر نوع اقدامی که انجام می‌دهیم، اگر خارج از اذن مولا و مالک باشد، اقدام غاصبانه محسوب می‌شود. اینجا خدای متعال به ما یادآوری می‌کند که اگر شما مالک نیستید، این تصرف‌های مالکانه بر چه اساسی صورت می‌گیرد؟! شما که مالک شنوایی‌تان نیستید، چطور هر سخنی را می‌شنوید؟ چیزهایی را که

خدای متعال که خالق و مالک شنوایی شما است، دوست نمی‌دارد و اجازه نداده، چطور آنها را می‌شنوید؟ چطور انسان به خودش اجازه می‌دهد که غیبت دیگران را گوش کند؟ چطور اجازه می‌دهد آهنگ‌های حرام را بشنود؟ پس آیه «أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ» در حقیقت یادآوری این نکته است که شما باید استفاده‌ی خودتان را بر اساس قاعده‌ی الهی تنظیم کنید.

* دو رکن شکر نعمت شنوایی

بر اساس آنچه امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در اینجا بیان فرمودند، شکر دو رکن دارد. رکن اول شکر نعمت شنوایی، پاک نگه‌داشتن این معبر قلب است. یعنی شما این راه را پاک و تمیز نگه دارید؛ چراکه به قلب و کانون شخصیت و خلوت‌خانه‌ی وجود شما ختم می‌شود که مرکز اتصالات معنوی شما با عالم بالا است. این رکن اول شکر است که از آن به «تَنْزِيه» تعبیر شد.

رکن دوم شکر و سپاس برای این نعمت بسیار بزرگ عبارت است از اینکه انسان این سرمایه را به سخنان ارجمند و شایسته و سازنده بسپارد که بذر اخلاق، معنویت و صفا را در وجود ما می‌کارد. این آیه‌ی کریمه چقدر جالب است: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۴ و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، امید که بر شما

۴. اعراف: ۲۰۴.

رحمت آید». وقتی قرآن خوانده می‌شود، دیگر جای حرف زدن نیست، هنگام سکوت است، بنوشید این جام‌های حکمت را تا «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»، مورد لطف خاص الهی قرار گیرید. این هم می‌شود رکن دوم شکر.

* ضرورت رعایت حریم شنوایی

چند جمله راجع به رکن اول شکر صحبت می‌کنم تا یک یادآوری برای خودم و شما باشد. همان‌طور که گفتیم، قرآن کریم می‌فرماید: «أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ»، چه کسی مالک گوش و چشم شما است؟ قرآن به ما مسئولیت بزرگی را یادآوری می‌کند که بخشی از آن عبارت است از شناختن مرزها.

قوه‌ی ظاهری شنوایی ما طول موج خاصی را می‌شنود که به آن محدوده‌ی شنوایی می‌گویند. این محدوده‌ی شنوایی بین بیست تا بیست هزار هرتز قرار دارد. این محدودیت شنوایی به ما یادآوری می‌کند که در این عالم صداهای بسیاری هست؛ اما خدای متعال با تصرف حکیمانه‌اش، ما را از شنیدن آنها محروم کرده که محصولش می‌شود آرامش شما. صداها و نواهای بسیاری در فضای پیرامون ما وجود دارد؛ اما پروردگار متعال قوه‌ی شنوایی ما را به شکلی تنظیم کرده که در محدوده‌ی خاصی می‌شنود و از آن فراتر را نمی‌شنود؛ زیرا برایش مضر است و آسیب روانی و روحی را در پی دارد. اگر ما بخواهیم این صداها را بشنویم، آشفته می‌شویم.

بر اساس همین ملاحظه، برای محدوده‌ی شنوایی ما نیز حریمی تعریف کرده که نباید از آن تجاوز کنیم و باید این مرز را رعایت کنیم. «تنزیه» که رکن اول شکر نعمت شنوایی است، یعنی پاک نگه داشتن شنیدن و گوش از سخنان نامناسب و صداهاى ناپسند. خدای متعال به ما یادآوری کرده که یادتان باشد که من مالک اصلی هستم. اگر شما از محدوده‌ی شنوایی که برایتان تعریف کردم خارج بشوید، مورد سؤال قرار می‌گیرید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۵ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد». خیال نکنید شنیدیم، تمام شد. خیال نکنید دیدم تمام شد؛ تمام نمی‌شود. کسی خیال نکند گفتیم تمام شد؛ نه، اینها همه در دفتر الهی ثبت است: «وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ»^۶ و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم». اینها همه بند شخصیت شما است. «كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» اینها همه‌اش مورد سؤال است؛ بنابراین انسان باید در درجه‌ی اول محدوده‌ی شنوایی مطلوب خالق حکیم و مالک مهربان را شناسایی کند. باید بداند که چه چیزی را باید بشنود و به چه چیزی نباید گوش فرادهد.

ضمناً بر اساس آن جمله‌ی نورانی امام (علیه السلام) که فرمودند: «فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ» شنوایی دروازه‌ی قلب شما است. حضرت به ما گوشزد کردند که اگر اینجا غفلت کنیم

۵. اسراء: ۳۶.

۶. اسراء: ۱۳.

و مراقبت نداشته باشیم، میکروب‌هایی از طریق شنوایی وارد شخصیت ما می‌شود. اگر آن را راه بدهیم، با مسموم و مخدوش کردن مرکز فهم ما، ارتباط ما را با عالم بالا دچار آسیب می‌کند. کلمه‌ی «تَنْزِيَه»، پاک نگه داشتن آن است که حقّ اوّل محسوب می‌شود و رکن نخستین شکری است که خدای متعال از ما می‌خواهد. پس حقّ اوّل شنوایی این است که موارد ممنوعه را نشنویم.

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» نیز یکی از موارد ممنوعه است. یعنی چیزی را که انسان به آن علم ندارد و فقط شنیده، در وجود خودش راه بدهد، تحلیل کند، نگهداری کند، به صندوق سرّ خودش این را بسپارد و آن را در رازهای خودش قرار بدهد.

* انواع شنیدنی‌ها

من شنیدنی‌ها را به دو گروه تقسیم کرده‌ام. یک بخش شنیدنی‌هایی است که بر ما حرام شده است، یعنی به هیچ‌وجه نباید آنها را گوش داد. خدای متعال اجازه نمی‌دهد تحت هیچ شرایطی آنها شنیده بشود.

بخش دوم مواردی است که تحریم نشده، یعنی حرام نیستند، ولی شنیدنی‌های مکروه هستند. یعنی خدای متعال نمی‌پسندد، چون یا آثار نامناسبی را در شخصیت شما وارد می‌کند یا زمینه‌ای می‌شود برای فروافتادن به منطقه‌ی ممنوعه. بنابراین چیزهایی که باید مراقب آنها باشیم و در حقّ «تَنْزِيَه» رعایت‌شان کنیم، دو گروه هستند.

اگر بخواهم مثال ذکر بکنم در فهرست اول که شنیدنی‌های حرام است، خیلی‌هایش با گفتنی‌های حرام که در فصل قبل راجع به آن صحبت کردیم، مشترک است. مثلاً صدرش غیبت است که خیلی زشت و کثیف است. شنیدن مطلب نامناسبی درباره‌ی کسی که حضور ندارد و نمی‌تواند از خودش دفاع کند و ما میدان بدهیم به کسی که دارد این حرفها را می‌زند. این در رتبه‌ی اول حرام‌های شنیدنی است و جزو میکروب‌های فوق‌العاده کشنده است که وقتی وارد وجود ما شد و به قلب ما رسید، فطرت انسان را مسموم می‌کند. از آن جمله که نسبت کاملاً نزدیکی با غیبت دارد، شنیدن تهمت و بُهتان است که قرآن کریم اشاره می‌کند که مؤمنین وقتی آن سخن ناروا و دروغ را درباره‌ی فلان شخص مؤمن شنیدند، چرا خوش‌گمانی نکردند و این حرفها را پذیرفتند؟ شنیدن استهزاء هم در زمره این گناهان است و گناه بسیار بزرگی است. وقتی که گروهی دارند شخصیت انسان مؤمنی را مسخره می‌کنند و ما نیز راضی به این اتفاق هستیم و سکوت می‌کنیم در زمره‌ی این موارد است.

* تفاوت سمع و استماع

البته یک‌وقت «سَمْع» است و یک‌وقت «اِسْتِمَاع» است. سمع این است که جمله‌ای به گوش ما می‌خورد. مثلاً کسی غیبت می‌کند، به گوش ما می‌خورد و ناخودآگاه ورود اولیه به سامعه‌ی ما پیدا کرد. باید فوری پس بزنیم و آن را تحویل نگیریم. «اتَّقُوا اللَّهَ» را در نظر بگیریم. علامتش چیست؟ علامتش واکنش است. از شخص غیبت‌شونده، دفاع کنیم و کسانی

را که غیبت می‌کنند، نهی از منکر کنیم. نهایت واکنش این است که جلسه را ترک کنیم. اما وقتی نشستیم و با لبخند و خوب گوش کردن، طرف را به حرف آوردیم، عملاً شریک شده‌ایم در گناه کسی که این حرف‌ها را می‌زند. این می‌شود «استماع». اولی «سَمْع» است که شما تحویل نگرفتی و خودت را نجات دادی؛ اما دومی که پذیرش کردی، یعنی آن سخن را قبول کردی، می‌شود «استماع».

در مورد «استهزاء» نیز در مجالسی که دین، ولی خدا، حجت خدا و احکام الهی را تمسخر می‌کنند، شنیدن و «استماع» حرام است و انسان باید آن مجلس را ترک کند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيَسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثَلْتُمْ^۷ إِنْ اللَّه؛ هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند؛ چراکه در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود». اگر دیدید در مجلسی انسان‌های هرزه‌ی آلوده آیات الهی، مقدسات و اموری را که پیش خدای متعال مقدس است، به تمسخر گرفته‌اند، آنجا ننشینید. اگر نمی‌توانید آنها را ساکت کنید، مجلس را ترک کنید. اگر در آنجا ماندید، شما مثل همان‌ها می‌شوید و با آنها در آن گناه شریک و سهیم خواهید شد.

یک جمله هم به این فهرست اضافه می‌کنم و آن‌هم موسیقی حرام است که فوق‌العاده مسموم‌کننده است و انسان باید مراقبت کند؛ مخصوصاً در ایام نوروز مراقب باشند که

میکروبها بعضاً از طریق جلسات وارد شخصیت شما نشود. موسیقی حرام، موسیقی است که شهوت‌انگیز و مناسب مجالس حرام و غفلت‌انگیز است.